مقدّمه :

آی قصه ، قصه ، قصه ...صلایی بودکه از دیرباز به ما نشاط می بخشید و به شب و روزمان رنگ تنوّع می‌داد .

بی جهت نیست که خداوند در قرآن این همه به قصّه بها می دهد و بخش عمده ای از سخنانش را به بازگویی سرگذشت و سرنوشت پیشینیان اختصاص می دهد !

شاهکارهای بزرگ ادبی ما نیز ـ چه نظم و چه نثر ـ سرشار از قصّه اند : شاهنامهٔ فردوسی ، مثنوی مولوی ، کلیله ودمنهٔ نصرالله منشی ، گلستان سعدی و ...

آنچه مکتوب نشده و از گذشتگان نسل به نسل و سینه به سینه انتقال یافته تا به نسل ما رسیده ؛ یعنی ادبیات عامه نیز غالباً در پوشش قصّه است ؛ قصّه هایی که زبانزد شده اند و همین پوشش ضامن بقای آنها بوده است !

شاخهٔ ادبیات کودک و نوجوان نیز شاید نورس و تازه شکفته به حساب آید ولی حق این است که بگوییم عمر آن و قصه های کودکانه به درازای زندگی بشر می رسد ؛ چه از زمانی که مادری بوده است و کودکی ، قصه هم مانند لالایی زمزمه و سرگرمی آنها بوده است .

توقّع از قصه :

بی تردید همچنان که خاستگاه هنر کسب لذّت است ، اوّلین انگیزه قصه نیز سرگرم سازی بوده و هست . نه فقط کودکان که بزرگسالان هم از خستگی کار و تلاش روزمره به سایه سار قصه پناه می برند . شاهد مدّعای ما تولید و رواج روزافزون فیلم های سینمایی و سریالهای بی شمار تلویزیونی برپایهٔ ادبیات داستانی است ! قدر مسلّم اینکه چه قصه گو و چه فیلم ساز و داستان نویس تنها به سرگرم ساختن مخاطب قناعت نمی کنند بلکه در پی همراه و همدل ساختن آنها با خویش و جهت بخشی به زندگی وراهنمایی آنها هستند !

رمز توفیق ، ماندگاری و اثرگذاری قصه بستگی به قدرت بلاغی و هنری ارائه کنندهٔ آن دارد که چگونه بتواند رندانه مقصودش را پیش ببرد و جنبهٔ تحکّم ، نصیحتگری و آموزش مستقیم به آن ندهد که اساس قصه بر همین منظور پی ریزی شده است تا هرکس در آینهٔ آن سیمای خود را به نظاره بنشیند و در چهرهٔ قهرمانان داستان آمال خویش را باز یابد ! از این رو سرایندهٔ مثنوی می‌فرماید :

ای برادر قصّه چون پیمانه است دانه اندر وی بسان دانه است

قصه پردازی و ویژگی های آن :

در قصه گویی برای کودکان که گوینده و شنونده رو در رو هستند ، جدای از بحث تناسب و گیرایی محتوا و زمان و مکان مناسب ارائهٔ آن ، ظاهر شخص قصه گو و سخنوری و مهارت وی در پیشبرد برنامه و رسیدن به هدف ، اهمیت خاص دارد .

یعنی نه فقط قصّه های انتخابی باید از نظر موضوع متناسب با سن و سال و دلمشغولی های کسانی باشد که می شنوند و می بینند و رعایت دانش پایه و میزان آشنایی آنها با جمله ها و کلمات شده باشد ، خوشرویی ، شیک پوشی و خوش زبانی قصه گو نیز شرط لازم است تا کارش مورد عنایت قرار گیرد .

با این مقدّمات می توان امیدوار شد ، قصه و قصه گو بتواند کودکان را سرگرم کند ، به زندگی آنها لذّت ببخشد و همزمان زیرکانه هدایتشان کند ، دایرهٔ واژگانی شان را افزایش دهد و در حد توان دانستنی های لازم برای زندگی دلپذیرتر در اختیارشان قرار دهد یا غیرمستقیم تشویقشان کند که بیشتر مطالعه کنند ، بیاموزند و خردمندانه بیندیشند و در مواقع ضروری به درستی تصمیم گیری کنند .

شناخت منابع :

نخستین منبع همان آثاری که هستند که هنرمندان هر عصری به مقتضای زمان و احساس نیاز با شناختی که نسبت به جامعه و جهان دارند رقم می زنند ولی مسلّم است که نه کفایت می‌کند و نه می توان صرفاً به انتظار آنها نشست ! بهترین خلّاقیت ها نیز مدّتی زمان می برد تا به پختگی برسند و شناخته و شایستهٔ ارائه شوند .

بنابر این باید به سراغ ذخایر فرهنگی رفت ؛ گنجینه هایی که با همهٔ ارجمندی شان گاه نیاز به بازنویسی و شابد بازآفرینی دارند تا بتوان از آنها بهرهٔ کافی برد .

قصّه گوها و قصه نویسان به جستجوی منابع متوجّه آثار غیرمکتوب نیز شده اند ؛ آثاری که در بین توده رایج است و نیاز به شناسایی و ثبت و ضبط دارند تا آمادهٔ ارائه شوند .

تاریخ ادبیات جهان گواهی می دهد نخستین گامها را شارل پرو در فرانسه و برادران گریم در آلمان برداشته اند ، آنها بودند که از قرن هجده میلادی به بعد درصدد مکتوب ساختن قصه های عامیانه برآمدند تا اینکه به قرن نوزدهم رسیدیم و هانس کریستین آندرسن از دانمارک چندان بدین کار اهتمام ورزید و قصه جمع کرد که به شایستگی پدر ادبیات کودک خوانده شد ! عنوانی که اگرچه خودش نیز توقّع آن را نداشت ، برای ما بسیار حائز اهمیت است و می تواندگویای اهمیت و نقش قصه در ادبیات کودک و نوجوان باشد !

در ایران هم با آنکه خارجیان بی نقش نیستند ، بهره گیری از ادبیات عامه را نخست مدیون صادق هدایتیم که در سال ۱۳۱۲ کتاب اوسانه را منتشر کرد تا زمینه ساز توجه با این معدن مردمی شود و به دنبال و متأثر از او باید از خدمات ارزشمند سید ابوالقاسم انجوی شیرازی نام برد که به جرأت می توان گفت پژوهش در "فرهنگ مردم" را نهادینه کرد و بنیانی بنا نهاد که خوشبختانه توسط شاگردان و همکاران و دوستانشان به خوبی گسترش و تداوم یافته است . مرحوم صبحی مهتدی البته در قصه گویی و شروع به این کار ـ همزمان با افتتاح رادیو در ایران ـ بر انجوی تقدم داشت و هم او بود که به شیوهٔ برادران گریم از مخاطبان رادیو می خواست قصه های شهر و روستاها را برایش جمع آوری کنند و بفرستند تا بازنویسی و ارائه کند . حاصل زحمتش هم دو جلد قصه های کهن بود که اینک در یک مجلّد بازچاپ شده و در اختیار ماست . این جز قصه هایی ست مانند داستان خواندنی و شنیدنی "ملازلفعلی" که نوشتهٔ خود اوست . بعد از صبحی حمید عاملی بود که سالها با صدای گرمش در رادیو قصه گفت و بعد از انقلاب کارش با عنوان قصه ظهر جمعه توسط محمدرضا رهگذر (سرشار) ادامه یاقت . خدمتی که انجوی(نجوا) در فرهنگ مردم شروع کرد نیز هم اکنون توسط جناب سید احمد وکیلیان در مجلهٔ تخصصی "فرهنگ مردم" پی گرفته می شود و هم به همت اوست که چندین جلد کتاب انجوی تجدید چاپ شده است ، وکیلیان "قصه های گلین خانم" را نیز که توسط مارزلف جمع آوری شده بود ، تدوین و منتشر کرده است . اولریش مارتسولف(مارزلف) پژوهشگر آلمانی روزگار ماست که در ادبیات عامه فارسی خدمات دیگری نیز انجام داده است ؛ از جمله نگارش اثر ارزشمند "طبقه بندی قصه های ایرانی" که به وسیلهٔ کاووس جهانداری ترجه شده و تا کنون دو بار در انتشارات سروش چاپ شده است . یادی هم البته باید از ا"لِوِل ساتِن" کرد که به همت او این بانوی قصه گو یعنی "گلین خانم" شناخته شد ! پیرزنی که به گفتهٔ وی بعد از جنگ جهانی در شمال تهران از کودکان اشراف نگهداری می کرد و چندان قصه می‌دانست و که می توانست تمام سال ـ بی تکرار ـ برایشان قصه تعریف کند !

باری سخن دراز شد ؛ ان شاءالله این تاریخچه ها را مشتاقان می توانند با خواندن تاریخ ادبیات کودکان ایران و جهان که در چندین جلد منتشر شده است و ادامه دارد ، ملاحظه کنند .

اینک جای طرح این پرسش است که مسؤولیت و رسالت نهادهای فرهنگی کشور چیست ؟

خوشبختانه روز به روز اهمیت این موضوع بیشتر روشن می شود ؛ نشانه های توجّه به آن هم تصمیماتی است که اتّخاذ شده و اقداماتی که صورت گرفته است . اگرچه از فعالیتهای آموزش و پرورش چنانکه باید مطلع نیستم ولی در دانشگاهها تحوّلاتی صورت پذیرفته است که اشاره می‌کنم :

دو گرایش ادبیات کودک و ادبیات عامه به تصویب شورای فرهنگی وزارتخانه رسیده است و گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان بعد از سال ۱۳۸۵ که در رشتهٔ ارشد محض ادبیات دانشجو پذیرفت ، با تشخیص توانی که در استان وجود داشت در صدد کسب مجوّز برای آن رشته ها نیز برآمد که خوشبختانه دومین دانشگاه کشور بود که تقاضایش برای ارشد ادبیات کودک و نوجوان پذیرفته شد و اینک چند دوره دانشجوی فارغ التحصیل دارد با پایان نامه هایی که بعضاً عنوان برتر کشور را هم کسب کرده اند ! در ادبیات عامه نیز یک دوره دانشجو پذیرفت و ان شاءالله به زودی فارغ التحصیل خواهد داشت . مجلّهٔ علمی ـ پژوهشی کودک را دانشگاه شیراز منتشر می‌کند و مجلّهٔ دانشگاه هرمزگان ادبیات روایی است که به صورت دوفصلنامه در سه شماره ارائه شده و منتظر تآیید وزارتخانه است . البته دانشگاه هرمزگان به دنبال نشر مجلهٔ ادبیات عامه نیز بوده و هست که با توجّه به وجود مجلّهٔ علمی ـ پژوهشی ادبیات عامه دانشگاه تربیت مدرس فعلاً مجوّز دیگری صادر نمی شود تا اینکه مسؤولان توجیه شوند باید برای هر استان با توجه به گویشهای متنوع مجله ای جداگانه انتشار یابد .

بیرون از ساحت دانشگاه ، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و وزارت ارشاد از جمله نهادهایی هستند که توقع خدمت از آنهاست و خوشبختانه بی تفاوت هم نبوده اند . دکتر جعفری قنواتی با دوستانشان در فرهنگستان با جدیت در این زمینه کار می کنند جناب دکتر ذوالفقاری هم که از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت مدرس آمدند علاوه بر مدیریت مجله ادبیات عامه ، فعایتهای قبلی و فعلی ایشان سزاوار ستایش است به ویژه خدمتی که با تدوین و جمع آوری مقالات زنده یاد دکتر محمد جعفر محجوب به انجام رساندند و کتاب مفصلی شده است . هم اینک دو واحد اختیاری ادبیات عامه برای دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی نیز پذیرفته شده است که انتشارات سمت مسؤولیت نگارش آن را به عهدهٔ ایشان گذاشت و خوشبختانه دو سالی می شود که به چاپ رسیده است و منتظر تجدید نظر و چاپ بعدی آن هستیم .

در مجال اندک باقی مانده اجازه می خواهم به چندجلد کتابی که حوزهٔ هنری استان هرمزگان در قلمرو ادبیات عامه منتشر کرده است اشاره کنم : جلد نخست آن نوشته زنده یاد عباس سایه بانی بود که با عنوان واژگان هرمزگانی ـ اندکی پیش از درگذشت مؤلف ـ نشر یافت و آن مرحوم مجال تجدید نظر و تکمیل آن نیافت . مجلدات دوم و سوم حوزه در این زمینه مدّ نطر ماست که عنوان قصه های هرمزگان داشت و اگرچه حجم چندانی ندارد به همت سه جوانی تدوین شده است که می شود به آینده کارشان امیدوار بود . حرکتی که پیشتر به همت جناب قتّالی در بندر خمیر آغاز شده بود و یک تنه حدود هفتاد قصه عامیانه را در کتابی با همین نام گرد آورده است .